

# «انذار» از روش تا اصل تربیتی

حمیدرضا یونسی<sup>۱</sup>

نیکودیالمه<sup>۲</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر با تأکید بر واژه انذار در قرآن کریم و ارائه تبیینی از معنای لغوی و احصای خصوصیات معنایی این واژه در کاربرد قرآنی تعریفی جامع از این واژه ارائه داده تا جایگاه این مفهوم در کاربرد تربیتی آن را از قواره یک «روش تربیتی» به میزان یک «اصل تربیتی» ارتقاء دهد.

**کلیدواژه‌ها:** انذار، اصل، روش، تربیت، مربی، متربی،

Younesi313@gmail.com

Dialameh@isu.ac.ir

۱- پژوهشگر گروه قرآن و علوم تربیتی مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم- جهاد دانشگاهی

۲- استادیار گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۵

## بیان مسئله

در نظام‌های مختلف تربیتی، اصولی برگرفته از مبانی و با چشم‌داشت به روش‌ها جهت نیل به اهداف تعیین می‌شود؛ لذا یکی از ارکان هر مکتب تربیتی «اصل»<sup>۱</sup> های تربیتی آن مکتب است؛ نظام تربیتی اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا اندیشمندان اسلامی طی قرون مختلف اصول متعددی را برای مکتب تربیتی اسلام با توجه به نگاه فلسفی، کلامی، عرفانی و حدیثی خود بیان کرده‌اند، اما تمرکز بر خود قرآن کریم و احصای این اصول از متن مقدس نیز یکی از مواردی است که توجه به آن ضروری است.

یکی از واژگان کلیدی در نظام تربیتی قرآن کریم که متعدد بیان گردیده واژه انذار است؛ مسئله انذار در نگاه‌های مختلف اندیشمندان اسلامی مورد توجه قرار گرفته و غالباً تمامی متفکران از آن به عنوان روشی ذیل یکی از اصول و عمدتاً اصل «عدل» یاد کرده‌اند. (نک: دیناروند، مکاتب فلسفی و نظریه‌های تعلیم و تربیت؛ کیلانی، سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی) اما با توجه به تعریفی که از این اصل در علوم تربیتی ارائه می‌شود؛ می‌توان جایگاه انذار را از یک روش به عنوان اصل تربیتی ارتقاء داد؟

## پیشینه بحث

مسئله انذار به صورت مستقیم و غیر مستقیم - در دل بحثی دیگر به عنوان اجزاء آن بحث - مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته و غالب پژوهشگران به عنوان یک روش تربیتی به انذار نگاه کرده و عمدتاً آن را زیر مجموعه اصل عدل و برقراری اعتدال در انسان قرار داده‌اند؛ دسته‌بندی از نتایج حاصل از هرکدام از این پژوهش‌ها در جدول ذیل قابل مشاهده است؛

ردیف	عناوین مقاله	نتایج
۱	جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنی»	حقیقت دو روش انذار و تبشیر در ارتباط با تعدیل رفتار انسان است. نقش اصلی این دو تکنیک تربیتی مربوط به انگیزش رفتار است. انذار و تبشیر راهی برای ایجاد هشیاری و آگاهی و خودسازی است. این دو مکانیزم تربیتی مسبوق و منجر به شناخت و حیات فکری می‌شود.

۱- سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب و به منظور تعیین روش‌های تربیتی برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می‌گیرند. (مشایخی، شهاب‌الدین اصول تربیت از دیدگاه اسلام)

«انذار» از روش تا اصل تربیتی || ۱۰۹

ردیف	عناوین مقاله	نتایج
۲	بررسی تفسیری گستره جغرافیایی ارسال رسل در آیات انذار	اگر نذیر به معنای «گروه» باشد، در قرآن به هشت مصداق بکار رفته است که هیچ یک از این معانی هشت گانه با گزاره‌های تاریخی تعارضی ندارد. اگر به معنای «اهل سرزمین» باشد، گرچه خلاف ظاهر است؛ با تقریر علامه طباطبایی قابل حل است. اگر به معنای «اعتقاد» و «دین» باشد نیز نایکسانی از ابتدا وارد نبوده است تا اینکه به حل نیاز داشته باشد. اگر به معنای «زمان» و «دوره» باشد نیز تخصصاً از بحث (تعارض) خارج است. در آیات سوره نحل و یونس نیز رسول به معنای لغوی آن حمل می‌شود که در حقیقت مصداق آن می‌تواند با مصداق نذیر یکی باشد.
۳	رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر	انذار و تبشیر در جایگاه روش تربیتی است. لزوم همراهی و هماهنگی این دو روش با یکدیگر به منظور تحقق اصل اعتدال روحی است. اصول تربیتی مستخرج از آیات انذار عبارتند از: اصل یادآوری، اصل تمکن (توجه به تفاوت‌های فردی)، اصل عدل، اصل آینده‌گری و عاقبت‌اندیشی، اصل تعقل (بازدارندگی)، فنون تربیتی متناسب با روش انذار عبارتند از: عبرت‌آموزی و موعظه، مجازات به قدر خطا، نهی از منکر، تکلیف به قدر وسع، رویارویی با نتایج رفتار.
۴	مؤلفه‌های کاربردشناختی انذار در داستان حضرت شعیب علیه السلام	انذار؛ وعید به عذاب در آینده است. این فعل از روی محبت و دلسوزی با در نظر گرفتن حفظ کرامت انسانی و در سایه عقلانیت و دادن اختیار به انسان و به منظور دور ساختن بندگان از عقوبت است. انذار به عنوان پیشگیری از ورود به عذاب در آینده است. حالت بازدارندگی و خوف در افراد ایجاد می‌کند. انذار در قرآن دارای ساختار دقیق و منظمی است که از جانب منذر با توجه به شرایط و ویژگی‌های مخاطبان و اشراف متکلم به ویژگی‌های مخاطب صادر شده است. انذار باید دور از تحمیل عقیده و اجبار، و مبرا بودن از هر گونه شائبه مادی و منفعت شخصی صورت پذیرد.
۵	راهبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن	راهبرد تربیتی در سه مقوله تحلیل و بررسی می‌شود؛ راهبرد شناختی بیشنی؛ در این راهبرد به آیاتی پرداخته شده که هدف آنها شناختن مبدا، معاد و چرایی خلقت انسان مورد نظر است. و با ارجاع انسان به تعقل و تفکر، یاد معاد، تذکر به نعمت‌های الهی و عبرت‌آموزی به این شناخت و بینش می‌پردازد. راهبرد گرایش: این راهبرد به آن دسته از گزاره‌های قرآنی پرداخته که میل به عمل را در انسان شعله‌ور می‌نماید؛ از جمله راهکارهای این شیوه می‌توان به پرورش ایمان، پرورش محبت، توبه و انذار و تبشیر و پاداش و تنبیه اشاره نمود. راهبردهای رفتاری: به شیوه عملی سعی در هدایت متریبان دارد؛ از جمله: ارائه الگوی اخلاقی تربیتی در عمل، اسوه‌سازی، تعظیم شخصیت متربی، تذکر، آزمایش و ابتلا.

ردیف	عناوین مقاله	نتایج
۶	الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف‌های اخلاقی (با تأکید بر دوره جوانی)	انذار و تبشیر از یک چشم‌انداز قرآنی، شیوه‌هایی برای آگاهی پیشین از عواقب اعمال و رفتارند و در پایان، خود شخص است که اطلاعات را دریافت کرده، آن را برای انتخاب رفتار و اعمال بکار می‌بندد یا نمی‌بندد.
۷	انذار در سوره یس	غایت رسالت در آیه سوره یس تنها به انذار منحصر شده، اما در آیه سوره فاطر بشارت و انذار توأمان ذکر شده است. ترغیب و ترهیب یا بیم و امید دو نغمه متقابل در سرشت انسانی‌اند و شاکله فهم او از حیات پیرامونی و نحوه سلوک او را تشکیل می‌دهند. قرآن کریم به تناسب سطوح مختلف مخاطبان از ادوات تبشیر و تخویف متعددی استفاده نموده است. تبشیر و نذیر هم دو منصب و دو فضیلت از فضایل ستودنی نبی اکرم (ص) محسوب می‌شود.
۸	بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تبلیغی در قرآن کریم و عهد جدید	روش تبلیغی مبتنی بر اصل اصلاح شرایط است. انذار برای زنده کردن میثاق فطری بشر با خداوند متعال است. انذار به منزله تأکید و تذکر است.
۹	بررسی نقش ترس در پیدایش دین (باتکیه بر قرآن)	مخاطب انذار در قرآن کریم بیشتر کفار و مشرکین هستند. ترسی که در قالب انذار در قرآن کریم ذکر شده است، یکی از عوامل فرعی گرایش به دین است و برخی از مردم به سبب ترس از گرفتار شدن در غضب الهی به دین روی آورده‌اند.
۱۰	تبشیر و انذار	در نظام تربیتی اسلام از روش تبشیر و انذار برای تکامل بخشیدن انسان‌ها و تزکیه و ارشاد آنها استفاده می‌شود.

## مفهوم‌شناسی واژه انذار

انذار در لغت به معنای «اخبارٌ فیهِ التَّخْوِیْفُ»<sup>۱</sup> یا «اخبار مع التَّخْوِیْف» است. اگر خبری با رعب و وحشت همراه باشد؛ مثل خبر دادن از یک جنگ بزرگ و...، انذار بر آن صدق می‌نماید. وجود خوف در مفهوم انذار، اعم است از اینکه تخویف به دلالت مطابقی باشد یا دلالت التزامی و

۱- الإِنْذَارُ: الإبلاغ، و لا یكون إلا فی التَّخْوِیْف (الصَّحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۲/ ۸۲۵)؛ الإِنْذَارُ: الإبلاغ؛ و لا یكاد یكون إلا فی التَّخْوِیْف (معجم مقاییس اللغة، ۵/ ۴۱۴)

یا حتی دلالت عقلی. ویژگی سومی که در این ریشه نهفته است، اینکه زمان تا وقوع آن (خبر ترسناک) وسیع است؛ «انذار تخویف است از مخوفی که زمان آن وسیع است تا از آن احتراز شود و اگر زمانش وسیع نباشد آن را اشعار گویند» (قرشی، ۴۱/۸) «نک: طریحی، ۴۹۱/۳؛ فیومی، ۵۹۹/۲؛ این اثر جوزی، ۳۶۸/۴؛ ۶۸۱) به گونه‌ای که لغت‌شناسان بر این گفتار تأکید دارند که در واژه «نَذِرَ - نَذَرًا» سه خصوصیت مهم نهفته است؛ آگاهی رسانی (اعلام)، ترساندن (تخویف و تحذیر) و وسعت زمان.

مفهوم دیگری که با توجه به قرآن کریم می‌توان در این بحث به آن پرداخت، همنشینی مکرر واژه «مبین» با انذار است (الاعراف، ۱۴۸؛ هود، ۲۵؛ حج، ۴۹؛ الشعراء، ۱۱۵؛ العنکبوت، ۵۰؛ ص، ۷۰؛ الاحقاف، ۹؛ الذاریات، ۵۰ و ۵۱؛ الملک، ۲۶؛ نوح، ۲؛ الرعد، ۷) در تمامی این آیات عبارت «نذیر مبین» تکرار شده است که نشان از اهمیت این معنا در مسئله انذار دارد.

ریشه «ب ی ن» از جمله ریشه‌هایی است که معنای اضداد از آن صادر می‌شود؛ لذا زمانی که واژه «البین» بکار می‌رود؛ می‌تواند دو معنای ضد هم داشته باشد چنانکه در وصف این ریشه در کتب لغت آمده است: «البین: الفراق و الوصل و هو من الأضداد» (مصطفوی، ۱/۳۶۶ و طریحی، ۲۱۸/۶). معنای حقیقی این ریشه انکشاف و وضوح بعد از ابهام و اجمالی است که به واسطه جدایی و فصل ایجاد شده است؛ صاحب لسان‌العرب در تحلیل معنای واژه «مبین» آورده که معنی مبین آشکار کردن و نمایان کردن بین راه هدایت و راه ضلالت و تمامی آنچه مردم به آن نیازمند هستند، می‌باشد. (نک: ابن منظور، ۶۸/۱۳) پس واژه انذار سه ویژگی مهم در نظام باید‌ها را القا می‌کند؛ «آگاهی‌رسان» است که منجر به اطلاعات جدید یا تجدید کنند و بازآفرین اطلاعات گذشته بوده، «ترساننده» است که عامل بازدارندگی را در خود دارد و «وسعت زمان» که توجه به تدریجی بودن تربیت دارد.

### خصوصیات انذار در کاربرد قرآنی

توجه به بافت متن و بررسی کاربرد واژه در آن متن جهت کشف معنای مراد نیز از وجوه دیگر پرده‌برداری از معنای لفظ است؛ لذا در این بخش با تأکید بر کاربرد واژه «انذار» در قرآن کریم سعی بر توسعه معنایی این واژه شده تا معنای عمیق‌تری از آن حاصل شود؛ بررسی‌ها نشان از آن دارد که واژه انذار در متن قرآن کریم از همان معنای پایه و اصلی خود در لغت پیروی کرده و متضمن گسترش مفاهیمی است که از معنای لغوی آن بدست می‌آید؛ برای کشف این گسترش

معنایی پاسخگویی به این مسائل که منشأ انذار چیست، متولی آن کیست، جنس انذار چیست، مخاطب انذار کیست و هدف انذار چیست؟ ضروری است.

بررسی آیات قرآن کریم نشانگر آن است که منشأ انذار، خود وحی است و اصلاً وحی نازل شده است تا انذار دهد و وحی، همان منذر است: «قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمِّ الدُّعَاءُ إِذَا مَا يُنذِرُونَ»؛ (الانبیاء، ۴۵) بگو: من شما را به وحی بیم می‌دهم. ولی کران را چون بیم دهند، نمی‌شنوند.<sup>۱</sup> و «أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ»؛ (یونس، ۲) آیا مردم در شگفتند از اینکه به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بترساند...؟<sup>۲</sup> و «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ»؛ (ابراهیم، ۵۲) این (قرآن کریم) پیامی است برای مردم، تا بدان بیمناک شوند.<sup>۳</sup> پس انذار ریشه در وحی داشته و بالاترین مرتبه آن نیز همین است؛ چراکه وحی کلام الهی است پس بالاترین منذر «الله» است.

حال با توجه به اینکه خدای تعالی خارج از ظرفیت انسان و جدای از تناسب وجودی او به او تکلیف نمی‌کند؛ طبق تعریف «اصل»، انذار این ویژگی را نیز طبق آیات قرآن کریم با خود داشته و منذر نیز باید نسبت به این مسئله هوشیار باشد: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»؛ (البقره، ۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند. آنچه (از خوبی) دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست» و با عبارت «...لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ...» به دو بعد وجودی انسان؛ کسب منعت و دفع ضرر که از اهمیت ویژه‌ای در کارکرد انذار در یک نظام تربیتی برخوردارند، اشاره دارد.

۱- شما را انذار می‌کند، وحی الهی است، و در آن هیچ تردیدی نیست، و اگر در شما اثری نمی‌گذارد با اینکه منظور از آن هدایت شما است، به خاطر این است که شما دچار کفری شده‌اید و انذار را نمی‌شنوید (ترجمه المیزان، ۱۴/ ۴۱۱)

۲- بعد از اینکه خداوند سبحان تعجب کفار را از این امر بیان کرد به بیان حقیقت آنچه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وحی شده است پرداخته و آن همان انذار و تبشیر است (الکشاف، ۴/ ۱۳۱)

۳- این قرآن یا آنچه در این سوره است از مواضع، کفایت است برای مردمان تا پند داده شوند به آن و تا ترسانیده شوند بدان (تفسیر اثنی عشری، ۷/ ۷۷).

«انذار» از روش تا اصل تربیتی ۱۱۳

از آنجایی که عمل انبیاء(ع) در طول عمل الهی قرار دارد قرآن کریم اولین متولیان انذار را انبیاء الهی معرفی می‌کند: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» (الرعد، ۷) و «قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ» (ص، ۶۵) «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ» (الشعراء، ۲۰۸) و آیات بسیاری بر این مفهوم دلالت دارد که انبیاء الهی انذارکنندگان هستند<sup>۱</sup> که البته از آنجایی که ایشان الگوهای الهی برای بشریتند ضرورت دارد از روش ایشان دیگران نیز استفاده نمایند.

البته این تأکید بدان معنا نیست که فقط انبیاء منذر هستند بلکه طبق آیه ۲۴ سوره فاطر «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» درباره واژه نذیر در این آیه می‌توان گفت از نظر زبانشناسی این واژه هیچ دلالتی بر معنای پیامبر نمی‌کند... نذیر اعم از پیامبر است؛ زیرا شخصی مثل لقمان حکیم یا ذوالقرنین نیز نذیر بودند (شیواپور، بررسی تفسیری گستره جغرافیایی ارسال رسل در آیات انذار).

پس مراد از رسول و نذیر و شهید در این گونه آیات هر چیزی است که حجت با آن تمام شود؛ از وجود پیامبر یا کتاب نازل شده یا مرشد اصلاح‌گر یا حکمی از احکام عقل بدیهی که هیچ دو نفری از صاحبان عقول سالم در آن اختلافی ندارند.

نتیجه این بحث آنکه دامنه تنوع منذر متعدد است؛ خدا، پیامبر، امام، قرآن، علما<sup>۲</sup> و... می‌توانند به عنوان منذر محل بحث باشند، اما یک نکته اساسی که در انذار باید مورد توجه قرار گیرد این است که منذر باید از جایگاه معرفتی قابل قبولی برخوردار باشد؛ مؤید این سخن آنکه حوزه‌های تربیت در اسلام را به چهار دسته «یتلوا علیهم آیاته» و «یزکیهم» و «و يعلمهم الكتابه» و «الحکمه» تقسیم کرده‌اند که حوزه تربیت علمی، برگرفته از عبارت «الحکمه» توجه خاص به مسئله انذار دارد؛ معانی واژه حکمت بر اساس کاربرد آن در قرآن و سنت، سازوار با تنوع مهارت‌ها و کارکردهای عقلی و روحی و جسمی‌ای که در زندگی از پرداختن بدان‌ها گریزی نیست، گوناگونی می‌پذیرد یکی از این‌ها حکمت به معنای پند و اندرز است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُرْدَجَرٌ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ

۱- فأننا المنذر. (البرهان فی تفسیر القرآن، ۳/ ۲۲۷)

۲- با استناد به آیه نفر

**النُّذُرُ**» (القمر، ۴-۵) پس منذر باید از جایگاه حکمت برخوردار باشد و این نشان از علو درجه منذر است. (کیلانی، ۱۰۹) طبق آیه ۹ سوره التوبه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»<sup>۱</sup> انذار به حدی از اهمیت برخوردار است که هر مومنی باید ابتدا معرفت عمیق دینی کسب نماید تا بتواند دیگران را نیز هشدار و انذار دهد (شاملی، جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنی»).

خصوصیت دیگر در انذار را با پاسخ به این پرسش که جنس انذار چیست؟ باید یافت، با کشف این خصوصیت اشتباهی که برخی در همسان گرفتن انذار با تنبیه در مکاتب تربیتی خود بیان کرده‌اند، برطرف خواهد شد؛ منشأ انذار وحی است، وحی نیز از جنس کلام (سخن) است؛ پس جنس انذار گفتار و کلام است؛ لذا انذار در قرآن گاهی بصورت کلی است و به اصل وجود عقاب الهی اشاره دارد و انسان‌ها را از آن برحذر می‌دارد<sup>۲</sup> و گاهی با صراحت از عذاب قطعی مجرمان سخن می‌گوید و بصورت غیر مستقیم مخاطب را می‌ترساند<sup>۳</sup> و گاهی بصورت مشروط بر عقاب تاکید دارد<sup>۴</sup> (فائمی مقدم، روش تربیتی تذکر در قرآن کریم).

پرسش دیگر در کشف خصوصیات انذار این است که مخاطب انذار کیست؟ بشر (الاحقاف، ۲۱؛ یونس، ۲؛ ابراهیم، ۴۴؛ الشعرا، ۲۱۴؛ یس، ۶؛ فرقان، ۱؛ المدثر، ۳۶) مخاطب منذر است و با توجه به سیر آیات، این رتبه‌بندی بدست می‌آید که پنج گروه عالمین، بشر یا ناس، قوم، عشیره و آباء مورد خطاب انذار هستند؛ گستردگی انذار در سطح تمام بشریت است و در لایه‌های مختلف اجتماعی از قبیل جامعه، قوم، قبیله، عشیره و خانواده کارکرد دارد و با توجه به عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبدأ انذار، نزدیکان هستند؛ چراکه پیامبر صلی الله علیه

۱- و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا [دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

۲- «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ و از خدا بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.

۳- «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»؛ بی گمان مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند.

۴- «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى»؛ در حقیقت هر که به نزد پروردگارش گنهگار رود جهنم برای اوست در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد.



و آله و سلم رسالت خود را با بیم دادن به خویشاوندان نزدیکش آغاز نمود. ۱ شروع از نزدیکان چه بسا تأثیر رسالت پیامبر را تسهیل کرده باشد؛ هنگامی که مردم مشاهده کنند الگویشان و نزدیکانش پیش از همه مورد انذار پروردگار هستند، آنها نیز به راحتی به حقانیت پیامبر و رسالتش ایمان می‌آورند (شاملی، همانجا).

در معارف دینی از قلب کودکان چون زمین کشت نشده تعبیر شده است که هرچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد؛ سفارش قرآن کریم به «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (الاحزاب، ۲۱) نیز نشان دهنده این مهم است که انسان می‌تواند ظرف وجودی خود را با انتخاب یک الگو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های وجودی آن الگو، تغییر داده و به رشد و بلوغ در اوج کمال برساند و نیز تعابیری چون «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (الاعراف، ۱۷۹) مؤید این مطلب است که انسان می‌تواند از آنچه که بالقوه هست هم پست‌تر شده تا جایی که از حیوان هم پایین‌تر قرارگیرد؛ بنابراین با توجه به این وسعت تغییر در دامنه تربیتی انسان از قاب قوسین<sup>۲</sup> تا اسفل سافلین<sup>۳</sup> این نتیجه حاصل می‌شود که دو بعد انگیزشی «تحدیر و تحریم عمل» و «تحریک و ترغیب عمل» به واسطه انذار در انسان ایجاد شده تا به یکی از دو هدف زیر نایل شود؛

الف) اتمام حجت؛ با بیدارسازی و آگاهی‌رسانی نسبت به انگیزه تحدیر و تحریم عمل؛ راه هرگونه بهانه‌جویی و عذرخواهی در زمان تنبیه و عاقبت امور بر انسان بسته می‌شود و باید پذیرای تنبیه عمل خود بود.

ب) هدایت؛ با تحریک و ترغیب عمل در انسان و جلو راندن وی در مسیر کمال آنچه حاصل می‌شود، هدایت است و ثمره هدایت نیز پاداش و تشویق است؛ در واقع انذار با تحریک این بعد از شخصیت انسان، او را به تشویق حاصل شده از هدایت می‌رساند.

اما توجه به این نکته ضروری است که هدف اصلی انذار هدایت است؛ چرا که منذر آنقدر حریص بر هدایت بشر است که خود را به مشقت انداخته تا همگان را هدایت کند (الشعراء، ۳)، اما اینکه «اتمام حجت» نیز از جمله اهداف انذار بشمرده شده؛ به دلیل مختار بودن بشر در

۱- «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده. (الشعراء، ۲۱۴)

۲- «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ»؛ تا [فاصله اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد. (النجم، ۹)

۳- «ثُمَّ رَدَدْنَا لَاسْفَلِينَ»؛ سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم. (التین، ۵)

گزینش مسیر حرکت است؛ «إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ (الاعراف، ۱۸۸) من فقط بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ام برای گروهی که ایمان می‌آورند! (و آماده پذیرش حقتند)». مؤید این سخن تفسیر علامه طباطبایی ذیل آیه ۷ از سوره مبارکه الرعد است که می‌نویسد: «از تو معجزه‌ای بر طبق دلخواه خود می‌خواهند با اینکه تو درباره معجزه هیچ‌کاره‌ای، تو تنها هدایت‌کننده‌ای هستی که ایشان را از راه انذار هدایت می‌کنی؛ چون سنت خداوند در بندگانش بر این جریان یافته که در هر مردمی يك نفر هادی و راهنما مبعوث کند تا ایشان را هدایت نماید». همچنین توجه به کاربردهای «لعل» در ساختار آیات انذار و عباراتی؛ چون «لعلهم يتذكرون» (القصص، ۴۶) و «لعلهم يهتدون» (سجده، ۳) بر این معنا تأکید دارد که هدف از انذار یادآوری و هدایت است؛ زیرا متربی انذار می‌شود تا آگاهی یابد و این آگاهی توسط تذکر ایجاد می‌شود و نتیجه این آگاهی - به شرط پذیرش - هدایت خواهد بود؛ فخر رازی در تفسیر خود، ذیل آیه ۲۱۳ البقره می‌نویسد: «انذار؛ جاری مجرای ازاله مرض و از بین بردن بیماری است، پس بدون شک هدف و مقصود اصلی، حفظ سلامت است نه از بین بردن بیماری... انذار پاک‌سازی چیزی پیش از آراستن آن است و نیز از بین بردن اعمال ناشایست بر کارهای شایسته تقدم دارد» (رازی، ۶/۲۰).

گاهی انذار، هشدار نسبت به وقوع کیفی این جهانی است - مانند آیات ابراهیم ۴۴، صافات ۱۷۷، احقاف ۲۱ - و زمانی انذار به صورت هشدار به مومنان نسبت به کیفر در روز رستاخیز بروز می‌کند - مانند آیات ۷ شوری و ۱۸ غافر - در سایر موارد این واژه نه تنها به پیغمبر (ص)، بلکه به خود قرآن نسبت داده می‌شود (فصلت ۳ و ۴، مرسلات ۵ و ۶، احقاف ۱۲، یس ۶۹ و ۷۰) حتی انذار به خود خدا هم نسبت داده می‌شود این نمونه در آیات ۴۰ نبأ، ۱۴ لیل و ۲ و ۳ دخان مشاهده می‌شود؛ حتی جهنم نیز به عنوان انذار دهند مطرح است؛ همانا آن (جهنم) یکی از پدیده‌های بزرگ است که انذاردهنده آدمیان است (المدثر ۳۵ و ۳۶) (شاملی، همان).

پس انذار بوسیله الله از طریق وحی (الانبیاء، ۴۵) در اختیار انبیاء (المرسلات، ۶؛ یونس، ۲؛ النحل، ۲؛ الکهف، ۵۶؛ النازعات، ۴۵؛ الرعد، ۷؛ البقره، ۲۱۳؛ النساء، ۱۶۵؛ الانعام، ۴۸؛ الکهف، ۵۶؛ الصافات، ۷۲؛ الاحقاف، ۲۹؛ المائده، ۱۹). (منذر) قرار گرفته است که بر اثر تحریک یکی از دو بعد تحریم عمل یا ترغیب عمل، مردم به دو گروه منشعب شوند؛ مؤمنین، که انذار سبب هدایت ایشان شده (الانعام، ۵۱؛ یس، ۱۱؛ النازعات، ۴۵؛ الاعراف، ۱۸۸) و به پاداش می‌رسند و غیر مؤمنان که با ایشان اتمام حجت شده است (الاعراف، ۷۰؛ القمر، ۱۶ و ۲۱ و ۳۰ و

«انذار» از روش تا اصل تربیتی ۱۱۷

۳۶ و ۳۷ و ۳۹؛ نوح، ۱؛ الاحقاف، ۲۱؛ یس، ۶؛ مریم، ۳۹؛ غافر، ۱۸؛ الکهف، ۵۶؛ الاحقاف، ۳؛ ص، ۴؛ ق، ۲) و تشبیه می‌شوند؛ پس انذار مرحله قبل از بشارت است و جنبه عمومی داشته و تمامی مردم را دربرمی‌گیرد؛ «أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا؛ (یونس، ۲) که مردم را بترسان و مؤمنان را بشارت ده» همانگونه که در آیه بیان شده است انذار برای ناس و بشارت جهت مؤمنین است؛ در واقع در اینجا کارکرد دوگانه انذار در هدایتگری و اتمام حجت بر منکران نمایان می‌شود<sup>۱</sup> که البته این ویژگی همه‌اش از «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (الشمس، ۸) نشأت می‌گیرد؛ چراکه انسان در انتخاب هر دو بعد فجور و تقوا اختیار دارد.

شواهد قرآنی دال بر این است که انذار، عمومیتی دارد که در تبشیر نیست؛ چون انذار شامل مومنان و کفار می‌شود (طباطبایی، ۸/۱۰) و ممکن است در بعضی موارد سازنده نباشد و کفار معاند به سبب سرپیچی و طیغان، بدان هدایت نیابند و دچار عذاب‌های سخت الهی شوند؛ به عبارتی انذار دو جایگاه می‌تواند داشته باشد؛ یکی سطح عمومی است که در برخورد اولیه با بشر است و دیگری پس از اعراض جهت اتمام حجت بیان می‌شود.<sup>۲</sup>

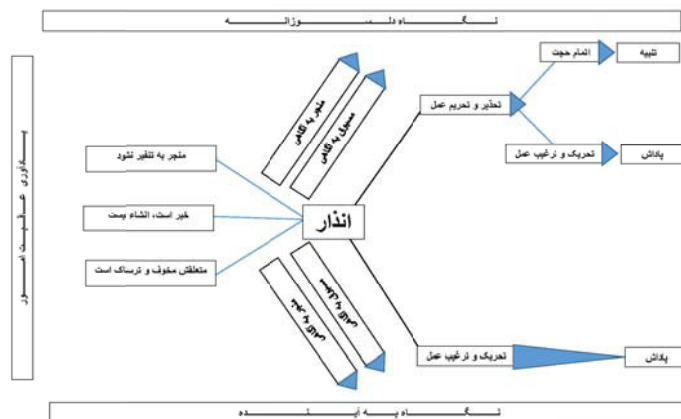
## نتایج مقاله

با توجه به معنای لغوی و خصوصیتی که از این لغت در کاربرد قرآنی آن حاصل شده است می‌توان با تعریفی جامع از انذار آن را اینگونه تعریف کرد: «انذار؛ کلامی خبری - در مقابل انشاء و تأکید بر احتمال صدق و کذب - روشن و واضح که مسبوق به آگاهی، یا منجر به آگاهی مضاعف شده و متعلق آن امری هشداردهنده است که از طرف انذاردهنده از روی دلسوزی و محبت با تکیه بر عقلانیت، لحاظ کردن وسعت زمان و در نظر گرفتن اختیار مخاطب بیان شده تا انگیزه لازم برای تحذیر و تحریم از عمل یا تحریک و ترغیب عمل جهت رسیدن به یکی از دو هدف اتمام حجت و هدایت به وجود آید».

۱- بشارت خاص مومنین است برای اینکه انذار عام است باری مومنین و غیر ایشان و بشارت به نعم اخروی است که جز برای مومنین نیست و به تحقیق انذار اختصاص به کفار دارد و انذار مومنین جز از جهت غفلت و کفر خفی نیست. (بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۲/۲۹۱)

۲- «فَإِنْ أَعْرَضُوا: عَنِ الْإِيمَانِ بَعْدَ هَذَا الْبَيَانِ فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً فاحذرهم أن يصيبهم عذاب شديد الوقع»؛ پس اگر بعد از خوانده شدن به ایمان اعراض کردند پس بگو می ترسانم شما را از صاعقه؛ یعنی برحذر می‌دارم شما را از اینکه عذاب شدیدی به شما خواهد رسید.

(نمایه)



## کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن جماعه، محمد بن ابراهيم، تذكرة السامع و المتكلم في آداب العالم و المتعلم؛ (مندرج در آداب المتعلمين و رسائل الاخرى، احمد بن عبدالغفور عطار)؛ بيروت، ۱۳۸۶ ش / ۱۹۶۷ م.
- ۳- ابن مسكويه، احمد، تهذيب الاخلاق؛ تحقيق زريق قسطنطين؛ بيروت؛ الجامعة الامريكية، ۱۹۶۶ م.
- ۴- ابن منظور، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ۵- ابوبكر، محمد بن الحسين بن عبدالله الاجريفي، اخلاق العلماء؛ القاهرة؛ مكتبة الثقافة الدينية، ۱۹۹۶ م.
- ۶- اعراقى، عليرضا، درآمدی بر تعليم و تربيت اسلامي (۲) اهداف تربيت از دیدگاه اسلام؛ ج ۲، تهران؛ سمت، ۱۳۸۷ ش.
- ۷- ايزوتسو، توشيهيكو، مفاهيم اخلاقي - ديني در قرآن مجيد، ترجمه بدره‌ای فریدون؛ تهران، فرزاد روز، ۱۳۹۴ ش.
- ۸- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸ ش.
- ۹- همو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱؛ تهران؛ مدرسه، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۰- همو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲؛ تهران؛ مدرسه، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۱- بحرانی، سيد هاشم، البرهان في تفسير القرآن؛ تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة قم؛ تهران؛ بنياد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۲- بهشتی، احمد، تبشير و انذار؛ بيوند؛ شماره ۴۰، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۳- بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۴- پرچم، اعظم، تبیین جایگاه وعد و وعید به عنوان یکی از راهکارهای تربیتی و اخلاقی در قرآنی؛ پژوهش‌های اخلاقی؛ شماره ۴، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۵- حسینی، شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، تفسير اثنا عشری؛ تهران؛ ميقات، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۶- الخطيب البغدادي، احمد بن علي، الفقيه و المتفقه، تحقيق الانصاري، اسماعيل؛ رياض؛ مطابع الفصيم، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۷- خویی، سيد ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن؛ بی‌جا، بی‌تا
- ۱۸- دل افکار، عليرضا و همکاران، مؤلفه‌های کاربردشناختی انذار در داستان حضرت شعیب علیه السلام؛ پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن؛ شماره اول، ۱۳۹۳ ش.
- ۱۹- دیناروند، حسین، مکاتب فلسفی و نظریه‌های تعليم و تربيت؛ تهران؛ دانش پرور، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۰- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتيح الغیب، ج ۶، بيروت؛ دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۱- زاهدی، مرتضی، نظریه تربیتی اسلام؛ تهران، صابره، ۱۳۸۵ ش.
- ۲۲- سيد رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مصحح فیض الاسلام، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۳- شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۴- شاملی، عباسعلی، جایگاه و نقش انذار و تبشير در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنی»؛ ترجمه روحانی، محمد؛ فصلنامه معرفت، شماره ۳۳، ۱۳۸۹ ش.
- ۲۵- شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعليم و تربيت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۶- همو، تعليم و تربيت اسلامي؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۷- شکوهی، غلامحسین، تعليم و تربيت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۸- همو، مبانی و اصول آموزش و پرورش، ۱۳۶۸ ش.
- ۲۹- شیواپور، حامد، بررسی تفسیری گستره جغرافیایی ارسال رسل در آیات انذار، پژوهشنامه ثقلین، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۳ ش.
- ۳۰- صادق‌زاده، عليرضا، رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشير، فصلنامه پژوهش در مسائل تعليم و تربيت اسلامي، سال ۲۰، شماره ۱۴، ۱۳۹۱ ش.
- ۳۱- طباطبایی، محمدحسین، المیزان في تفسير القرآن؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامي جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

۱۲۰ // پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره ۲۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۶

- ۳۲- همو، المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
- ۳۳- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین؛ تهران؛ مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۳۴- الطوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، اختیار معرفة الرجال؛ تحقیق اسید مهدی الرجائی؛ قم؛ موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
- ۳۵- فلاح، محمدجواد، الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف‌های اخلاقی (با تأکید بر دوره جوانی)؛ پژوهش‌نامه معارف قرآنی؛ شماره ۲۷، ۱۳۹۵.
- ۳۶- فیومی احمد بن محمد، مصباح المنیر، بی‌جا، بی‌تا.
- ۳۷- القابسی، محمدعلی بن محمد، الرسالة المفصلة لاحوال المتعلمین واحکام المعلمین و المتعلمین؛ (در التریبیه فی الاسلام، احمد فؤاد الاهوانی)؛ القاهرة؛ دارالمعارف، ۱۹۸۳م.
- ۳۸- قلی‌پور، جواد، بررسی نقش ترس در پیدایش دین (باتکیه بر قرآن)؛ معرفت کلامی؛ شماره ۱۸، ۱۳۹۶ش.
- ۳۹- عبدالصاحب المظفر، الاخلاق فی حدیث واحد؛ النجف الاشرف؛ مطبعة النعمان، ۱۹۶۹م.
- ۴۰- کاردان، علیمحمد، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱) فلسفه تعلیم و تربیت؛ ج ۱، تهران؛ سمت، ۱۳۹۳ش.
- ۴۱- کیلانی، ماجد عرسان، سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، رفیعی، بهروز؛ قم؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ش.
- ۴۲- گنابادی سلطان محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ بیروت؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- ۴۳- محصص، مرضیه، انذار در سوره یس، بینات، شماره ۷۷ - ۷۸، ۱۳۹۲ش.
- ۴۴- مشایخی، شهاب الدین، اصول تربیت از دیدگاه اسلام؛ مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۲، ۱۳۸۸ش.
- ۴۵- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ تهران، ۱۳۶۸ش.
- ۴۶- المظفر، عبدالصاحب، الاخلاق فی حدیث واحد؛ النجف الاشرف؛ مطبعة النعمان، ۱۹۶۹م.
- ۴۷- مغنیه محمد جواد، تفسیر الکاشف؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- ۴۸- همامی، عباس، بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تبلیغی در قرآن کریم و عهد جدید؛ پژوهش دینی؛ شماره ۱۵، ۱۳۸۶ش.
- ۴۹- هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷ش.